دو ترانه از دو قبیله آفریقایی

مترجم:کامبیز جعفری‏نژاد

سرور برای آفتابی که در پس‏ ابرهای بارانزا گم شد

آتش سرد می‏شود و چوب خاکستر

آتش فرو می‏نشیند.و بر فراز سرما نکبت

خدا به جستجوی آفتاب برمی‏خیزد

رنگین کمان در دستهایش می‏درخشد

کمانی که از آن شکارچی مقدس است

او زاری فرزندانش را شنیده است

به راه شیری می‏رود

و ستارگان را برمی‏چیند

و به تندی ستارگان را در سبد می‏ریزد

و به تندی ستاره می‏چیند

چون زنی که سوسمارها را

از زمین برمی‏گیرد

و در دیگ می‏ریزد،در دیگ می‏ریزد

تا دیگ از سوسمار پر شود

تا سبد از نور سرشار شود

(قبیلهء Hottentot )

گاو باشکوه

گاو من سپید چون ماهی سیمگون رود

سپید چون حواصیل لرزان در ساحل

سپید چون شیر تازه

نعرهء گاوم چون رعد

به سوی توپ عثمانی‏ها فریاد برمی‏کشد

گاو من سیاه چون ابر بارانزا

گاو من چون تابستان و زمستان

نیمی تیره چون ابر طوفانزا

نیمی روشن چون آفتاب طالع

پشت او رخشان چون ستارهء سحری

صورتش سرخ چون منقار مرغان

پیشانی او چون پرچمی

مردمان را باز می‏خواند از دوردست

گاو من چون قوس و قزح

گاون را در ساحل رود آب می‏دهم

دشمنانم را می‏رانم از خود با نیزه‏ام

آب چاه ارزانی گاوشان

آب رود از آن من و گاو من.

در کنارت ایستاده‏ام،

بنوش گاو من از آب رود

دشمنان را می‏رانم از گردت با نیزه‏ام

(قبیلهء Dinka )